

**Gender stereotypes of Eastern societies (patriarchy) in the formation  
of anti-discrimination in Saad Al-Sabah's poems**

Ebrahim Mir<sup>1</sup>  
Bashir Zolali<sup>2</sup>  
Mohammad Fatehi<sup>3</sup>

Received Date: 16 Dec 2021  
Reception Date: 25 Dec 2021

**Abstract:**

Saad Al-Sabah is one of the poets who has reflected the various dimensions of women's issues in his poetry. In many cases, it seems to be a kind of struggle against men. According to the present study, anti-patriarchal tendencies in this poet's poems include such things as criticizing the nature of patriarchy, rebelling against man, speaking harshly towards him and protesting against living together. The main purpose of this study is to study and study the stereotypes of gender in Eastern societies (patriarchy) in the formation of anti-discrimination in the poems of Saad Al-Sabah. The results showed that, unfortunately, throughout history, men have always been the only basic axis of the family, and this domination and uniaxiality has also overshadowed culture and literature. So that women have always been on the margins of culture and outside the scope of literary activities and have not been able to perform in the field of literature. Some consider the dominance of poetry and literature to be the dominance of masculine literature and culture, and if women seldom took up the pen, they spoke the language of men's culture and thought, because culture and literature are occupied by masculine thinking and women use their own language in accordance with nature. They did not have their own women. In his poems,

---

<sup>1</sup> . PhD Student in Arabic Literature, Arabic Literature, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran. Mirebrahim835@gmail.com

<sup>2</sup> . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University-Kerman Branch, Kerman, Iran (Corresponding Author). bashirzolala@yahoo.com

<sup>3</sup> . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran. mfatehi2020@yahoo.com

Saad Al-Sabah calls on the society, especially women, to seek freedom and think freely, and believes that he should be able to express his views and opinions easily in society and participate in the administration and decision-making of the country.

Keywords: anti-discrimination, Saad al-Sabah, anti-man, woman, Kuwait.

## تصویرات قالبی جنسیتی جوامع شرقی (مردسالاری) در شکل‌گیری تبعیض ستیزی سروده‌های سعاد الصباح

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۴

ابراهیم میر<sup>۱</sup>بشیر ذوالعلی<sup>۲</sup>محمد فاتحی<sup>۳</sup>

### چکیده

سعاد الصباح از جمله شاعرانی است که ابعاد مختلف مسائل زنان را در شعر خود منعکس کرده است. که در بسیاری از موارد، نوعی مبارزه علیه مرد به نظر می‌رسد. با توجه به بررسی حاضر، گرایش‌های مرد ستیزی در اشعار این شاعر، مواردی چون انتقاد از ماهیت مرد سالاری، تمرد از مرد، زبان‌گزیند نسبت به او و اعتراض به زندگی مشترک را در بر می‌گیرد. هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر بررسی و مطالعه تصویرات قالبی جنسیتی جوامع شرقی (مردسالاری) در شکل‌گیری تبعیض ستیزی سروده‌های سعاد الصباح می‌باشد. نتایج نشان داد که متاسفانه همواره در طول تاریخ مرد تنها محور اساسی خانواده را تشکیل داده و این سلطه و تک‌محوری بر فرهنگ و ادب نیز سایه انداخته است. به طوری که زنان همیشه در حاشیه فرهنگ و خارج از حیطه فعالیت‌های ادبی قرار داشته و امکان هنرنمایی در عرصه ادب را پیدا نکرده‌اند. عده‌ای سیطره شعر و ادب را سیطره ادب و فرهنگ مردانه می‌دانند و اگر زنان به ندرت قلم به دست گرفتند با زبان فرهنگ و تفکر مردان سخن گفته‌اند

۱ دانشجوی دکتری ادبیات عرب، گرایش ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران.

۲ استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران نویسنده مسئول

)

[bashirzolala@yahoo.com](mailto:bashirzolala@yahoo.com)

۳ استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران

زیرا فرهنگ و ادب را تفکر مردانه اشغال کرده و زنان زبان مخصوص خود را متناسب با ذات زنانه خویش نداشتند. سعاد الصباح در اشعار خود جامعه و مخصوصاً زنان را به آزادی خواهی و آزاد اندیشی دعوت می کند و معتقد است که در جامعه باید آرا و نظرات خود را به راحتی مطرح کند و در اداره و تصمیم گیری کشور سهیم باشد.

**واژگان کلیدی:** تبعیض ستیزی، سعادالصباح، مردستیزی، زن، کویت.

## مقدمه

شعر یکی از ابزارهایی است که زنان شاعر با استفاده از آن مشکلات هم‌نوعان خود را در سطح جامعه انعکاس می‌دهند. در شعر فارسی چهره‌ی واقعی زن نخستین بار در شعر فروغ فرخزاد تصویر شد... و مهمترین ویژگی اشعار فروغ، زنانه بودن آن است، زنی شاعر برای نخستین بار تجربه‌های اندوهبار یک زن، درد دل‌ها، اعتراض‌ها و گلایه‌هایش را به زبان شعر سرود (کراچی، ۱۳۷۶: ۱۱۱). در شعر عربی، باید شعر غاده سمان را پیشرو ادبیات زنانه و فریاد در گلو خفته زن شرقی قلمداد نمود که به تأثیر از شعر فروغ تبدیل به الگوی تمرد و مقاومت در برابر مردسالاری جنبه زده بر شعر زنان شد. در ادامه بانوان شاعری همچون سیمین بهبهانی در شعر فارسی و سعادت الصباح کویتی را باید ادامه دهنده و دنباله‌رو دو همتای شاعر خویش در ایران و کشورهای عربی محسوب کرد.

سعادت‌الصباح با شیوه شعری خود به سراغ مضامین جدید و پویای عصر خویش می‌رود و با زبان ساده شعر خود به تحلیل وقایع سیاسی و اجتماعی عصر خویش می‌پردازد. او در واقع خود را اصلاح‌کننده معضلات و مشکلات جامعه می‌داند و مبنای شعر خود را خدمت به ملت خویش و در نگاه خود خدمت به انسانیت قرار می‌دهد و خواستار احیای حقوق اساسی مردم می‌شود. در شعر عربی، باید شعر غاده سمان را پیشرو ادبیات زنانه و فریاد در گلو خفته زن شرقی قلمداد نمود که تبدیل به الگوی تمرد و مقاومت در برابر مردسالاری جنبه زده بر شعر زنان شد. در ادامه سعادت‌الصباح کویتی را باید ادامه دهنده و دنباله‌رو همتای شاعر خویش در کشورهای عربی محسوب کرد.

ادبیات در این دوره تحت تأثیر این دگراندیشی اجتماعی، فرهنگی و... دچار تغییر و تحول شد و به تبع آن شعر نیز سبک و سیاق خاصی به خود گرفت به نحوی که تمامی ابعاد شعر اعم از ساختار و مضمون دستخوش تغییراتی قرار گرفت. سعادت‌الصباح (۱۹۴۲) کویتی از جمله زنان شاعر معاصر است که به سنت گرایی و تا حدودی شیوه گذشتگان در سرودن شعر می‌تازد و می‌توان گفت راهی نو در پیش گرفت تا الگوی باشد برای زنان، تا در موضوعات و قالب‌های نو نیز شعر بسرایند و از تقلید پیشینیان دست بکشند.

سعادت‌الصباح با توجه به دید بازتری که در دوران دگرگونی‌های اجتماعی نسبت به مردان پدید آمد، توانست حرف‌های نگفته خود را بر زبان آورد. برابری جنسیتی یکی از مضامین اجتماعی است که در اشعارش نمود زیاد پیدا کرد. با دسته‌بندی آزادی‌های مود نظر خود، به دنبال آرمان شهری است که در آن آزادانه از عشق بسراید و اشعارش را با معیار خودش بگوید و خود را از زیر بار نگاه

سطحی جامعه‌ای که زن را به خاطر جنسیتش از حضور در جامعه باز می‌دارد، برهاند. وی در مقدمه کتاب خود با عنوان «گل‌های خشم را می‌شناسند» چنین می‌گوید: «در حافظه‌ام دوره‌هایی از چیرگی و ظلم انباشته‌ام و در زیر پوستم میلیون‌ها خورشید پنهان است» (الصباح، بی تا: ۱۲).

### مرور ادبیات و سوابق مربوطه

پژوهش‌هایی درباره‌ی سرودهای سعاده الصباح به‌عنوان یکی از شاعران مدافع حقوق زنان در شرق بخصوص کویت منتشر شده است. بسیاری از این پژوهش‌ها به مسایل اجتماعی، پایداری، عشق، آزادی و... پرداخته‌اند، از جمله؛

فولاد، (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «مضامین اجتماعی در اشعار سعاده‌الصباح» به بررسی نحولات بنیادین در ساختارهای اجتماعی دوران معاصر در اشعار سعاده‌الصباح می‌پردازد. پژوهشگر در تاملات اجتماعی سعاده‌الصباح اصطلاحاتی مانند عشق، تعلیم و تعلم، آزادی زن، وطن دوستی و وحدت عربی می‌پردازد. از جمله موضوعات مطرح شده در اشعارش برابری و انسانیت است. سعاده‌الصباح محوریت فعالیت‌هایش را بر اصلاح معضلات و مشکلات جامعه قرار داده است و مبنای اشعار خود را خدمت به ملت خویش و انسانیت قرار می‌دهد و خواستار احیای حقوق اساسی ملت می‌شود.

عباسی، (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جلوه‌های عشق در شعر سعاده‌الصباح» به بررسی برخی درونمایه‌های مشترک زنانه که در شعر زنان معاصر آمده به واکاوی اشعار و اندیشه زنانه سعاده‌الصباح به عنوان نماینده زنان هم‌نسل خویش در ادبیات عرب پرداخته و در ادامه به مولفه‌های همچون زندگی سعاده‌الصباح، عشق، ادبیات زنانه عصر معاصر کویت... پرداخته است.

جیبی و صحرانورد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی برخی از درونمایه‌های مشترک زنانه در آثار بانوان شاعر معاصر فارسی و عربی مطالعه مورد پژوهانه: فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، غاده سمان و سعاده‌الصباح» به بررسی برخی از درون‌مایه‌های مشترک زنانه در شعر این شاعران همچون عشق زنانه، رنج‌کشی زنانه، حس مادرانه، تبعیض جنسیتی، صراحت کلام، فریبندگی زن، بیان مسائل شخصی در شعر و صراحت کلام و... پرداخته است.

نصراللهی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی جسارت زنانه در ادبیات اجتماعی معاصر عرب؛ مطالعه مورد پژوهانه غاده السمان و سعاده‌الصباح» به شناخت زنانه‌گویی و توجه به همه

ابعاد این شناخت در شکل‌گیری احساس تبعیض ستیزی دو شاعر زن کویت غاده السمان و سعاد الصباح پرداخته‌اند. پژوهشگر مسایلی همچون دفاع از حقوق انسان‌ها، احقاق حقوق انسان و زن، انسان دوستی و عدالت خواهی، مبارزه با مردسالاری حاکم بر جامعه، مبارزه با نابسامانی‌های اصلی آنها، آزادی خواهی را بررسی کرده است.

حبیبی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «واکوی تطبیقی مضامین شعری سعاد الصباح و پروین اعتصامی (براساس مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی)» پژوهشگر درونمایه های اشعار این دو شاعر در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مسائل شخصی و زنان واکوی کنند. نتایج پژوهش حاکی از شباهت اشعار آنها در موضوعاتی مانند؛ مبارزه با مردسالاری، زنان، انسان دوستی، ظلم ستیزی و نگاه متفاوت آنها به دومولفه عاطفه مادری و عشق ورزی نگریسته اند.

با وجود اینکه تحقیقات زیادی در ارتباط با اشعار سعاد الصباح انجام شده است، ولی هنوز زوایای مبهمی از کاربرد عوامل اجتماعی (آزادی خواهی، احیای هویت زن، مبارزه با نابسامانی های اجتماعی، عدالت خواهی و عشق ورزی و...) بر اساس تبعیض ستیزی در اشعار او دیده می‌شود و مباحث متعددی در مورد تبعیض ستیزی با تکیه بر جامعه مردسالار وجود دارد.

#### روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع موجود، به‌ویژه آثار سعاد الصباح نگاشته شد. بدین صورت که بعد از مآخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده سازی فیش ها، مرحله فیش برداری شروع و با تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس استانداردهای موجود تنظیم شد.

#### سعاد الصباح

سعاد محمد الصباح شاعر، نویسنده و منتقد کویتی در ماه می سال (۱۹۴۲م) در بخش جبیر واقع در استان بصره عراق به دنیا آمد (فوزی، ۲۰۰۰م: ۱۰۷). او اولین دختر شیخ محمد الصباح است، کسی که اسم جدش حاکم کویت را که از سال (۱۸۹۲-۱۸۹۶م) حکومت می کرد با خود داشت. سعاد دو پسر و دو دختر داشت. پسرانش محمد و مبارک الصباح و دختر کوچکش شیماء همچون خود سعاد در زمینه اقتصاد و علوم سیاسی درس خواندند ولی اُمینیة ادبیات را برگزید. علاوه بر این چهار فرزند وی دارای پسر دیگری بود که بزرگترین فرزندش به شمار میرفت و در سال (۱۹۷۳م) در سن دوازده

سالگی از دنیا رفت که سعاد این حادثه را در قصیده‌های با عنوان؛ "إلیک یا ولدی" توصیف نموده و نام همین قصیده را نیز بر دیوانش گذاشته است در بخشی از این آن آورده است:

«آه از هواپیمای مرگ که باورم را تکان داد... به کاپیتان گفتم به زمین برگرد و بگذار تا مرا در بر بگیرد... شاید در آن به پزشک یا مددکاری دست یابم تا پسر مرا از مرگ نجات داده و مرا از نگرانی درآورد» (الصباح، ۱۹۹۰م: ۱).

### نقش خانواده در پیشرفت سعاد

سعاد در مصاحبه ای که در سال (۲۰۰۸م) با روان‌الضامن<sup>۱</sup> (۱۹۷۹م) انجام داده می‌گوید: «اولین دیناری که از پدرش دریافت نموده به خاطر این بوده که در کودکی به تنهایی و قبل از آنکه به مدرسه برود می‌توانست روزنامه بخواند و پدرش خواندن را به او آموخته بود. وی همواره از نقش پدرش در جهت دادن فرهنگش می‌گوید: اینکه او در همان کودکی دیوانهای شاعران و انواع کتابها را برایش فراهم میکرد در حالیکه برخی از آنها برای دختران ممنوع بودند ولی او آنها را در زیر عبایش پنهان کرده و به من میرساند. سعاد ادامه می‌دهد: پدرم آینده نگر بود و میگفت من تو و دیگر فرزندانم را برای آینده آماده میکنم.» (الجزیره الاعلامیه، ۲۰۱۶م).

مادرش شیخه أحمد الثاقب بود که سعاد درباره او چنین می‌گوید: «او به من آموخت سرور خودم باشم با اینکه تنها دختر خانواده و نازپرورده بودم اما مرا آزاد می‌گذاشت تا همه چیز را خود انجام دهم و همواره به من کتاب اهدا می‌نمود. اوقات تنهایی را در کنار پدر و مادرم اینگونه سپری می‌کردم که کدامیک از ما مجله «الرساله» را زودتر مطالعه کرده یا مطالب فلان نویسنده را و یا مقاله فلانی را خوانده است؟ در اوایل دهه سی یعنی آغاز رفتنش به دبیرستان بود که مادرش از دنیا رفت در این خصوص می‌گوید: نمیدانم واقعیت مرگ برایم دوست داشتنی است یا ناپسند؟ ولی موکداً می‌گویم که برایم ناخوشایند است زیرا در کمتر از یک سال (یازده ماه) عزیزترین داراییم یعنی پدر و مادرم را از من گرفتم.» (همان).

وی در خصوص نقش همسرش هم در پیشرفت او در کتاب «تاریخ عبدالله مبارک الصباح فی صور» می‌گوید: «بیش از سی سال همسر او بودم و دریافتم گوهر مردانگی یک مرد به اندازه تواناییش

۱. کارگردان و تولید کننده فلسطینی که در فلسطین و اردن کار کرده و در حال حاضر هم در شبکه الجزیره مشغول فعالیت است



بر محبت به دیگران و تلاشش برای خوشبخت نمودن آنهاست و گواهی می‌دهم که مبارک چیزی از محبت و پدری و مهربانی به من و بچه‌هایم عطا نمود که فقط یک دریای بزرگ آنرا انجام می‌دهد همواره اشک بر چشمانش جاری بود و اگر یکی از بچه‌ها بیمار میشد همچون یک طفل کنار تختش می‌گریست و هر گاه شعر می‌خواندم چهره‌اش پر از شادی و غرور بود او هیچگاه در برابر بلندپروازیهای علمی من نایستاد و مخالف نوشتن و حضور من در مناسبتهای فرهنگی نبود بلکه همواره عاقلم را محترم می‌شمرد و به اختیارات من بها میداد و به هر شهری از شهرهای دنیا که می‌خواستم برای ادامه تحصیل بروم مرا همراهی می‌نمود. با اینکه اصل و نسبش از روستا و در صحرا پرورش یافته بود اما به حقوق زن در زندگی و پیشرفت و علم و فرهنگ ایمان داشت و همواره با سربلندی زندگی کرد و به اسلام و عرب بودن و کوییتی بودنش افتخار می‌کرد. (دسمان نیوز، ۲۰۱۵م) وی در ادامه و در فصل دوازدهم کتاب، همسرش را به عقاب تشبیه میکند و بیان میدارد: «میگویم عقاب، زیرا نسلش در حال انقراض است و بالهای شجاعتی که پرهایش را بر کبودی آسمانهای عربی رها می‌نمود به کبوترهایی نامه بر تبدیل گشته است.» (همان).

#### مضمون اشعار سعاد الصباح

سعاد الصباح به عنوان یکی از منادیان برابری حقوق زنان در جامعه معاصر عربی مشهور است. اشعار وی از دو جنبه مضمون و ساختار قابل اعتنا است. آنچه که شعر وی را از لحاظ مضمون و ساختار برتری بخشیده است، جرأت و جسارت وی در پرداختن به سطوح فکری، ملی و تمدنی جامعه معاصر عربی در سبک ساده و همه‌فهم است. وی همچنین در تمامی مسائل اجتماعی جامعه عربی همچون موضوع زن، پیشرفت تمدن و غیره با جسارت و حساسیت تمام وارد می‌شود. شرایط نابسامان جامعه باعث شده است که به جوهر حقیقیش مراجعه کند و زمینه را برای حل مشکلاتی که در مواجهه با جامعه با آنها درگیر است فراهم نماید. بنابراین قصائد وی را می‌توان، قصائدی خلاف جریان شعری شاعران هم‌عصرش برشمرد (الراغب، ۱۹۹۳: ص ۸).

#### دیدگاه سعاد الصباح در زمینه زن

سعاد معتقد است زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و اگر حق و حقوق آنها واضح و روشن نباشد باعث می‌شود که در وظیفه اصلی خود که همانا (مادری) کردن است را به درستی انجام ندهند و با این دفاعی که از زن انجام می‌دهد باعث می‌شود که زن به عنوان وطن در نظر گرفته شود.

این افکار و ذهنیات سعاد به احتمال خیلی زیاد از اندیشه‌های نزار قبانی نشأت می‌گیرد که فرقی بین زن و وطن قائل نیست و زن را جزئی از وطن در نظر می‌گیرد.

سعاد الصباح اشعار خود را بر پایه و اساس زن سروده است و در آن زن اساس قرار گرفته است. وی در اشعارش، نشان می‌دهد که زن پایه و اساس اصلاح در جامعه است. سعاد عقیده دارد که زن مانند و شبیه بذری پنهان شده در دل خاک است و همچنین ستاره ای طلایی است که در عمق زمین قرار گرفته است و تلاش دارد تا در نوشته‌هایش این مورد را عیان سازد که زن توانایی‌های زیادی دارد و تلاش می‌کند تا زبان زن را به حرف بیارد و او را وادار کند که از حقتش دفاع کند و حرف بزند. زن در اشعار و دیدگاه سعاد آهوپی در نظر گرفته شده است که شکارچیان با خودروها و با تفنگ‌های خود به دنبال شکار کردن او هستند. سعاد می‌گوید که مردان و جامعه زن ستیز می‌خواهد زن زیر ستم و خودخواهی مرد قرار بگیرد. و یا زن را به گونه‌ای در نظر می‌گیرند که او را مانند پروانه ای در نظر بگیرند که با سوزنی او را به دیوار اتاق خواب و پذیرایی خود سنجاق کرده اند تا در مواقع لزوم برای ارضای شهوت مردان در نظر گرفته شود. او همچنین معتقد است که زنان را مانند فرش کاشان (مراد کالای نمونه است) و تمبر و اسلحه‌های قدیمی خرید و فروش می‌کنند غافل از اینکه از نیرو و درون و قدرت زن بی‌خبر هستند که زن می‌تواند به طوفانی سهمگین تبدیل شود و یا انفجاری هولناک شکل دهد (الامین، ۱۹۹۴م، ص ۳۷).

سعاد معتقد است زن کویتی حرف اول از حروف حقوق بشر است و این زن (زن کویتی) همواره می‌کوشد تا از پله‌های حقوق بشری و همچنین سیاسی و فرهنگی بالا برود تا به آخرین حرف از حروف الفبا یعنی حرف بیست و هشتم برسد و همواره در برابر خود مرد را می‌بیند که هر زمان که زن به طبقه‌های بالای این هرم اجتماعی می‌رسد ناخن‌های او را فشار می‌دهد تا بلکه کاری کند که او را به سمت پایین سوق دهد و نهایتاً به پله‌های پایین سقوط کند و اینگونه به نظر می‌رسد که پله‌های بالای اجتماعی به مردان اختصاص دارد و زنان حق ندارند به آن فکر کنند و زنان باید در فکر طبقات پایین و همکف و حتی زیر زمین باشند و سعاد این بی‌عدالتی و تسلط مردان بر زن را در هیچ قانونی مشاهده نکرده است و باور قلبی دارد بر اینکه فرهنگ مرد را باید از نو و از ابتدا مورد بازنگری و بازنویسی قرار داد.

نتیجات سعاد در پی این است که به حقوق برابر و پا به پای مرد برسد و می‌خواهد در این بین پرچمدار این مورد باشد که مرد و زن باید دارای حقوق برابری باشند. سعاد معتقد است که یکی از

عوامل اصلی که به مرد عرب اجازه سواستفاده از زن عرب را می دهد سستی و تنبلی خود زن است که مرد عرب را وادار به این کار می کند. او همچنین زن عربی را به خاطر اینکه برای مراقبت و نگهداری از فرزند خود پرستار خارجی می گیرد او را مورد نکوهش قرار می دهد و وجود زن غربی در منزل زن عربی را قبول ندارد و او را اذیت می کند و این مورد را جزء یکی از موثرترین موارد در ضعیف شدن پایه های قومیت عرب می داند و عقیده دارد این کار باعث می شود زبان عربی که یکی از پایه های اصلی فرهنگ عربی است رو به فراموشی برود (الامین، ۱۹۹۴م، ص ۳۸).

سعاد قوانین جامعه مردانه را که در آن زن را به این دید نگاه می کند که جسم یا کالایی نگریده شود مخالف است و از زن و حقوق سیاسی و اجتماعی او دفاع می کند و فریاد می کشد که به چه دلیلی باید زن و نقش تاثیرگذار او در جامعه نادیده انگاشته شود؟ به چه دلیلی زن را در آخر کاروان و قافله قرار داده و باعث شده اند که راه آزادی بر روی او بسته شود؟

شعرهای سعاد قبیله ها و طایفه هایی که کرامت زن را زیر سوال می برند و یا آن را نادیده می انگارند به هم آوردی می طلبد و تلاش می کند زن را از این سنت های قدیمی و فرسوده برهاند و این تلاش او با عضویت در بعضی از سازمان هایی که در زمینه زنان و حقوق آنان فعالیت می کنند متفاوت است و شعرهای او سرشار از مواردی است که مبارزه و عدالت خواهی را فریاد می زنند اما این کار او با عکس العمل هایی ناجوانمردانه روبرو شد و او در برابر حمله تند برخی از افرادی قرار گرفت که در این زمینه قلم فرسایی می کنند اما او با شجاعت تمام قدم هایش را استوارتر کرد و در مقابل آنها ایستادگی کرد چون عقیده او این بود که از مسئله ای شخصی دفاع نمی کند؛ بلکه هدف و نقشه راه او این بود که از اصل جامعه دفاع کند که در این راه مورد انواع ظلم ها و نابرابری ها قرار گرفته است (امیری، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳).

سعاد به درست بودن هدفش مطمئن بود؛ چون این نوع از عدالت خواهی اجتماعی با اصل شریعت های آسمانی که به حقوق زن احترام می گذارند زاویه نداشت و هماهنگ بود. سعاد از همان ابتدا مخالفت خود را با جامعه و قوانینی که در پی آن هستند که زن را اسیر افکار پوسیده کنند و او را به عنوان نوکری برای خدمات مردان در نظر بگیرند مخالف بود. سعاد دیدگاهی فرهنگی در رابطه با نگاه به زن دارد و این دیدگاه او از فرهنگ متمدن نشات گرفته و در جای جای اشعارش منعکس شده است. با نگاه به اشعار سعاد خواننده متوجه می شود که سعاد می خواهد ثابت کند که زن و کیان خانوادگی او در انواع تصاویر ظاهر شده است (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۶۹-۷۱).

«و او اصرار بر این دارد که صد زن در یک زن است... زنی خلیجی در نظر گرفته شده است که خط فرضی استوا از میان لبان او عبور می‌کند... زنی که از کتاب هزار و یک شب فرار کرده است و زنی که برایش مهم نیست قبیله چه دیدگاهی در مورد زن دارد... او عروسی است که نیمی از آن ماهی و نیم دیگر او زن هست... بچه اسبی چموش و سرکش که با سم هایش آواز آزادی سر می‌دهد... خنجری آبی رنگ است که تا زمانی که افکار بد پیشینیان نسبت به زن را تغییر ندهد آرام نمی‌شود... درخت خرمایی است که ریشه‌ی عربی دارد... درخت کناری هست که در چهارفصل سرسبز است... او ثمره آتش و مس است... پرنده آوازخوان و جزیره‌ای رویایی است... او دریا، رعد و برق، باران، طوفان، نعنای بیابان، و غم بیابان است... او نی، آلات موسیقی و آواز سرچشمه هاست... او شعری نوشته شده و زیبا با جوهر زندگی است... و صدای بی‌باکی است که در شعر هیچکدام از شاعران قدیم و معاصر به یاد نمی‌آوریم»

#### مرد و زن در اشعار سعادت

مرد در اشعار سعادت این گونه تصویر شده است که فقط به عنوان همسر زن در نظر گرفته نشده است و همچنین تصویر زن هم به معنای همسر مرد نیست؛ بلکه شاعر دو عنصر نر و ماده را با نگاه کل بررسی کرده و از منحصر شدن زن و شوهر بیرون می‌آورد (اسماعیل مروه، ۲۰۰۰م، ص ۵۷).  
جنس نر همان پدر، برادر، پسر و دوست است و ماده هم که اصل و مبنای مرد است، کسی هست که او را به دنیا آورده و به خاطر وجود با ارزش اوست که مرد موجودیت پیدا کرده و این ویژگی را خدا در وجود زن قرار داده است تا بچه‌ای را در درون خود بیرون راند و با او درد بکشد تا هنگامی که بزرگ و نیرومند بشود.

«ای که بر خلاف قانون و بدون مقررات... بر من حکومت می‌کنی ..... ای که مرا مانند آب بین انگشتان خود زندانی کرده‌ای ..... ای کودکی که نمی‌توانم تو را ادب کنم ..... و آن که تابستان را به او هدیه دادم ..... و او طوفان به من پیشکش کرد ..... ای کودکی که تو را از جسد خود خارج کردم ..... تو چه دلفریبی» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۵۲).

سعادت در اشعارش به تک بعدی بودن زن پرداخته و تنوع تصاویر ارائه شده از زن در اشعار سعادت نمایانگر شناخت عمیق او از زن و اهمیت جایگاه زن در دیدگاه اوست. شاعر صدای قشرهای گوناگون زنان از جمله: زن سنتی، زن متجدد، زن اندیشمند، زن مذهبی، خلیجی و زن عصیانگر را در

شعرش منعکس می‌کند که بی‌صدا و در میان زندگی زناشویی ته نشین می‌شود (اسماعیل مروه، ۲۰۰۰م، ص ۵۸).

#### ایستادگی و مقاومت در اشعار سعادت

سعادت در اشعارش خیلی صریح و روشن به مبارزه با کسانی می‌پردازد که آزادی و آزادی زن را به اسارت گرفته‌اند. با کسانی که با زن به تجارت می‌پردازند و با همه کسانی که شعر شاعران بیدارگر را در نطفه خفه کردند به مخالفت بر می‌خیزد و اشاره می‌کند در این راه به زنان بی‌پناهی می‌پیوندد و در راه آزادی زن تا زنده است می‌جنگد.

«با همه آنان مبارزه می‌کنم ... با همه نژادهایی که به اسم آسمان ... بر ما حکمرانی می‌کنند ... با دزدانی که حکومت را از مردم دزدیدند ... با بساز و بفروشان ... با تاجران زن مبارزه می‌کنم ... با دزدان آزادی‌اندیشه می‌ستیزم ... با همه کسانی که شعر را ... شاعران را زنده زنده ذبح کردند، می‌جنگم ... با همه غارتگران حرفه‌ای ... با خائنان میراث صلح می‌ستیزم ... با یاری شعرم ... نثرم ... فریادم ... انفجارهای خونم ... با هزاران فرعون زمین می‌جنگم ... و به حزب فقرا می‌پیوندم» (امیری، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

#### نارضایتی از بی‌ثباتی و گمنامی

سعادت در اشعارش به این نکته اشاره می‌کند که در جامعه زن ستیز عرب، یک زن به سختی می‌تواند جایگاه اصلی خود را بازیابد. او اشاره می‌کند که در جامعه عرب مرد جایگاه با ثبات و روشنی دارد و در هر صورت می‌تواند بی‌باکانه و جسورانه عمل کند در حالی که زن همیشه در قید و بندهای قبیله‌ای گرفتار است و همیشه و در همه حال احساسی بجز گمنامی و بی‌ثباتی ندارد.

«ای سازنده تاریخ در تختخواب خویش ... ای خود بین و ای مغرور ... ای آرام بخش اعصاب ... همانا تو ثابتی ... در حالی که من همچنان دور خودم می‌گردم ... می‌گردم ... زمین زیر پایم همچنان سوزان است ... اما زمین زیر پای تو ... مخمل و حریر است ... تفاوت زیادی میان من و توست خدای من ... من یک محافظه‌کارم ... و تو بسیار جسور و شجاعی ... من در بندم ... و تو در پرواز ... من در حجاب ... تو در بینایی ... من ... واقعاً گمنامم ... و تو بسیار مشهوری ... تفاوت بسیاری است میان من و تو، سرور من ... من همچون تمدنم و دیکتاتورها مرد هستم» (امیری، ۱۳۸۳، ص ۴۶)

### نابرابری جنسیتی

سعاد معتقد است که از زمانی که مردان مسئول تهیه خوراک و پوشاک زن خود شدند، بر زن تسلط پیدا کردند و به همین دلیل در همه کارها جا افتاد که حرف، حرف مرد باشد. یواش یواش این مردان در کارهای اجتماعی، اقتصادی، و امور خانوادگی زنان خود دخالت کرده و به زنان از این دید نگاه می‌کردند که جزئی از دارایی آنان به شمار می‌آیند. زنان هم چاره‌ای نداشتند جز اینکه از قوانینی که قبیله یا مردان قانون‌گذار برای آنان در نظر گرفته بودند پیروی کنند. (منجم، ۱۳۸۱، ص ۷۱).

«وای بر زنان هنگامی که مردان بر آنان سلطه‌گزینند ..... و از آنها خواستند وسیله آرامش و شهوتشان باشند ..... سرمایه تابستان شان و گرمایی زمستان شان ..... و همچون چهارپایان به خاطر عشق مردان به بقای نسل، برایشان بچه بزایند ..... عروسکی که خودخواهی مردان، آنگونه که بخواهد آن را به حرکت درآورد ....»

مرد همیشه به عنوان نمادی از زور و قدرت در نظر گرفته شده است که بخشنده بودن و مهربانی زن هدیه به او است.

«در برابر مرد خود را خوار و کوچک می‌کند گویی که خدای آسمان هاست ... تا زمانی که خوراک و پوشاک و زیورآلات او را تامین کند ..... نه هرگز خوار و حقیر نمی‌شویم و کم نمی‌آوریم ..... عصر حرمسراها به پایان رسیده و دوره بزرگی فرا رسید ..... و حق زندگی برای ما مسلم و مسجل شد ..... و همه ما در آن با هم مساوی هستیم» (الصباح، ۲۰۰۶م، ص ۱۵۳).

سعاد حق و حقوق زن و مرد را مساوی می‌بیند به این خاطر که عقیده دارد که زنان هم می‌توانند پا به پای مردان برای رفاه و آبادانی تلاش کنند. سعاد می‌خواهد جامعه را از استعمار جهل و نادانی و قوانین قدیمی و مردسالارانه قبیله‌ای رها کند.

سعاد از زنان این انتظار را دارد که جایگاه واقعی خود در اجتماع را به دست آورده و با استفاده از فراگیری و به‌کارگیری استعدادها و نیروهایی که دارد در ساختن جامعه‌ای پیشرفته و با فرهنگ قدم بردارد و در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی آماده کار باشد تا مردان و افراد جامعه او را به سان موجودی وابسته به مرد که فقط از پس کارهای اولیه و سطح پایین بر می‌آید نگاه نکنند. جایگاهی که سعاد برای زن در نظر گرفته است و بارها در شعرهایش به آن اشاره کرده است، بسیار بالاتر از جایگاهی است که ادعا کنندگانه تجدد برای زن در نظر گرفته و یا پیشنهاد و تحمیل کرده‌اند.

زن در اشعار سعادت انسانی سازنده، توانا و قادر به دانا شدن، خلق نیکی و اجتماعی کردن فرزندان‌ی شایسته است. (امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

سعادت این انتظار را ندارد که زن همچون مرد باشد و یا نقش مرد را برعهده بگیرد و یا اینکه مهربانی و رافت و صفات مادرانه خود را فراموش کند و از زیر بار این مسئولیت در برود. بلکه او می‌خواهد زن برجی از عشق باشد و انسانیت را تا ستیغ رفیع شرافت و پاکی و بزرگواری افزایش دهد (ارناووط: ۱۹۹۵م، ص ۲۱).

#### نارضایتی از دیدگاه جنسیتی نسبت به زن

سعادت در شعرهای خود همواره اعتراض خود را نسبت به این قضیه که مردان عرب زن را برای ارضای شهوت خود در نظر می‌گیرند اعتراض کرده است. سعادت از اینکه جایگاه و ارزش زن در نظر گرفته نشده است حس نفرت پیدا کرده است و با استفاده از کلمات تند در برابر کسانی که همچین دیدگاهی دارند که از زن تنها مادگی را می‌خواند تاخته است. سعادت با قوانین مردسالارانه و قدیمی قبیله مخالف بوده و رفتار مردانی که بین زن و گوسفند تفاوتی قائل نیستند را نمی‌پسندد و به نکوهش آن می‌پردازد.

سعادت نوع نگاه جنسیتی مرد به زن را که او را به عنوان کالایی در نظر می‌گیرد و به او حس تملک دارد را نمی‌پسندد. سعادت زن مشرق زمین را سرمنشا بیچارگی و خواری و عامل ننگ دانسته و و پیشرفت‌های فرهنگی و مسافرت به دیگر نقاط دنیا و آشنایی با فرهنگ‌های دیگر تاثیر مثبتی در این دید نگذاشته است و در نگاه او ارزش‌های قدیمی و جاهلانه فضیلت محسوب شده و به آن افتخار می‌کند. به این ترتیب رابطه میان زن و مرد عرب رابطه‌ای یک طرفه است همچون رابطه بین شکارچی و صید و یا رابطه بین گرگ و گوسفند، که این گرگ گرسنه با حرص تمام گوشت او را می‌خورد. پس در این مورد طغیان زن دور از انتظار نیست و در این راه دیوارهای اطاعت و بردگی خود را از هم پاشانده و با طعم و لذت شیرینی که به دست آورده است به ناسازگاری با قوانین متحجر قبیله می‌پردازد.

«من ماده تو نیستم سرور من ..... برو به فکر زن دیگری باش ..... که شبیه هر یک از قالیچه‌های دربار هارون الرشید باشد ..... من زنی هستم از دیار دوردست ..... و ستاره‌ای دور ..... نه با وعده رام می‌شوم ..... و نه با تهدید ..... من ماده تو نیستم سرور من ..... ما در هر چیز با یکدیگر بیگانه ایم ..... از آنچه نزد من است چه می‌خواهی ..... عمل کن، مانند همه مردان قبیله ..... چه با نبرد و ... چه با

شورش... چه با هجوم و چه با گریز..... در تاریخ تو... چیز تازه ای وجود ندارد..... عمل کند مانند شغال - اما نخواهی توانست گوشت مرا بخوری..... و یا پشمم را بچینی» (فرامرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶)

سعاد در اشعارش روی این نکته متمرکز شده است که نباید زن را به عنوان ابزار و کلاهی در نظر گرفت که فقط برای بهره بردن شخصی مناسب است؛ بلکه با این دید و با توجه به سرمایه ذاتی و درونی که دارد توانایی این را دارد که همگام با مرد به تکامل نسل بشر کمک کند:

«ای عاشق پیشه... که بین بازی عشق... و میان گوشت زنان... و گوشت گوساله ها - فرقی نمیگذاری... فریاد بر می آورم:..... تا زمانی که آسمان ها فرو ریزد..... بر سر من و بر سر تو - سرور من..... و از آنچه می گویند باز نخواهم گشت..... ای آنکه در راهی..... از کتاب غبار... عصر ممالیک را زنده ترسیم می کنم..... و میبینم بازار بردگان را... عمل کن.....» (فرامرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹-۷۰).

«به همان گونه که اجدادت می کردند..... و زنان را مالک می شدند..... مانند هرملک..... و زنانگی را مظهر..... فرومایگی می دانستند..... و نیز داغ ننگ..... مانند شغال عمل کن..... که شبانه در دشتهای زوزه سر می دهد..... من باز نمی گردم..... سرور من، از تصمیمی که گرفته ام.....» (فرامرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱-۱۷۳).

سعاد رفتار مردانی را که دختران را مانند اسب خرید و فروش می کنند، مورد سرزنش قرار داده و این عمل را نوعی ظلم به حساب می آورد:

«انتقام میگیرم..... از زنان سرگردان و تحمل کنندگان..... و دختران کم سن و سالی که جوانی آنها را خریدی..... مانند دانه ها و مانند باغچه ها..... فریاد بر می آورم..... به نام زنان عذرابی..... که با آنها ازدواج کردی..... و طلاق دادی..... بدان گونه که به خرید اسبان دست میزنی.....» (فرامرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

### نارضایتی از جنسیتی بودن ادب و فرهنگ

نوع بیان کردن و احساس زن و مرد بدون شک با هم فرق دارد و یکی نیست. همین اختلاف احساسات و صفات دلپذیر در وجود زن و مرد باعث گرایش آنها به سوی هم می شود. اما تفاوت بین زن و مرد باعث نمی شود که ادبیات مردانه بر ادبیات زنانه و همچنین برعکس این موضوع ترجیح داده نشود.



تاسف آور است که همیشه در کل تاریخ مرد به عنوان پایه و اساس خانواده شناخته شده است و این مورد بر نگاه تک محوری و همچنین بر فرهنگ و ادبیات هم تاثیر زیادی گذاشته است. طوریکه این مورد باعث شده است زنان همواره در گوشه فرهنگ و بیرون از حیطه کارهای ادبی قرار داده شود و این امکان برای هنر نمایی زن در عرصه فرهنگ و ادب وجود نداشته است. عده ای بر این باور هستند که حوزه شعر و ادب حوزه ای است که به مردان اختصاص دارد و اگر هم در این مورد زنانی به ندرت قلم به دست گرفته و تمایل به نوشتن داشتند با فرهنگ و زبان مردانه سخن گفته اند و یا چیزهایی را گفته اند که خوشایند جامعه مردسالار بوده است زیرا حوزه فرهنگ را افکار و تصورات مردانه فرا گرفته و زنان توانایی این را نداشتند که از زبان زنانه خود استفاده کرده و به دفاع از حقوق خود بپردازند. (عبدالله، الغدابی، المرهه و اللغه، ط ثالثه، المركز الاتقافی العربی، بیروت، ۲۰۰۶م، ص ۷۹-۸۰).

موردی که سعاد در اشعارش زیاد به آن پرداخته است و به صورت روشن و با شدت بالایی به این مورد اعتراض کرده است بحث جنسیت قائل شدن برای حوزه فرهنگ و ادب هست:

«آیا زنی میتواند ..... در این زمانه اندوه و سختی ..... نوشتن را خواستار شود ..... در حالی که همه اشیا اطراف شما مذکر است ..... شمشیر در فرهنگ لغت ما مذکر است ..... فکر در تاریخ ما مذکر است ..... شعر در ادبیات ما مذکر است ..... ماه زیبا در آسمانمان مذکر است ..... عشق در زندگیمان مذکر است ..... و ظلم از زمان شروع مذکر بوده است ..... آیا زن میتواند برهان خویش را برملا کند ..... در حالی که در سمت راست و چپش لشکری باشد ..... آیا زن می تواند آنچه را احساس می کند بر برگه ها جاری کند؟ .....» (الصباح، ۲۰۰۶م، ص ۲۲۰).

سعاد دوره محروم ماندن و محروم شدن زن از فعالیت های اجتماعی را تمام شده می داند و اشعاری در وصف زمانی که مرد به زن می گوید سرده است:

«می گویند: ..... نوشتن گناه بزرگی است ..... و نماز در برابر حرف ها - حرام است ..... به آن نزدیک مشو .....»

سعاد با تسلط بر این مسئله که دانش آموز بودن و یادگیری نه تنها حرام نیست بلکه زن و مرد در این مورد با هم فرقی ندارند و بین آنها تساوی برقرار است جواب می دهد:

«مرکب قصیده ها زهرآگین است ..... زنهار که منوشی ..... و من همانم ..... که بسیار نوشیده ام ..... ولی از مرکب دفتر کارم دچار مسمومیت نشده ام ..... و اینک من ..... که بسیار نوشته ام

.....می‌گویند: سخن امتیاز مردان است ..... تو ای زن دیگر حرف نزن ..... تغزل هنر مردان است .....» (فرامرزی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳).

قوانین مردسالار عشق را برای زن حرام دانسته اند و آن را ناپسند بر شمرده اند اما سعاد این عقاید و باورهای غلط را در هم می‌شکند و می‌گوید:

«تو ای زن دیگر عشق موزز.....نوشتن دریای ژرفی است ..... تو ای زن در آن غرق مشو ..... ولی من بسیار عاشق شده ام ..... بسیار شنا کردم .....در برابر همه دریاها مقاومت کردم و غرق نشدم ..... ولی از مرکب دفترکارم دچار مسمومیت نشده‌ام ..... و اینک من.....که بسیار نوشته‌ام ..... و در هر ستاره‌ای آتشی بزرگ برافروخته‌ام..... خداوند هیچ‌گاه بر من خشم نگرفت ..... و نه حضرت پیامبر از من رنجید» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

سعاد فرق گذاشتن و تبعیض بین زن و مرد را در حوزه ادب و فرهنگ جایز ندانسته و تفاوت گذاشتن بین مرد و زن را خرافه ای بی پایه می‌داند. سعاد وجود مرد را وابسته به وجود زن و همچنین زن و مرد را تکمیل کننده همدیگر دانسته و هیچکدام را بر دیگری برتری نداده است.

سعاد زن را وسیله و انگیزه ای برای پیشرفت مرد می‌داند و همچنین مرد را هم عاملی می‌داند که باعث پیشرفت زن می‌شود و زن به سان باغچه در نظر می‌گیرد و مرد را هم به درخت تشبیه کرده است و عقیده دارد که درخت بدون باغچه نمی‌تواند رشد کند و به تکامل برسد و مرد هم بدون زن نمی‌تواند به این تکامل دست پیدا کند و سعاد در مورد کسانی که زن و مرد را جدا از هم در نظر می‌گیرند و در تمامی موارد بحث جنسیت را پیش می‌کشند به شدیدترین شکل ممکن فریاد اعتراض سر می‌دهد:

«چرا؟ ..... این دیوار خرافات را برپا می‌دارند..... بین باغچه ها و میان درختان ..... و بین آهوی ماده و آهوی نر ..... چه کسی می‌گوید شعر هم جنسیت دارد؟..... و نثر جنسیت دارد؟..... و فکر جنسیت دارد؟..... که گفته است که طبیعت ..... حاضر به پذیرفتن نغمه پرنندگان زیبا نیست؟» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۹).

چنانچه زنی شروع به سرودن شعر می‌کرد آن را حرام در نظر می‌گرفتند و این کار را جرم و خطایی نابخشودنی در نظر می‌گرفتند و سرودن شعر و شاعری را مخصوص مردان می‌دانستند و عقیده آنان بر این بود که زن نمی‌تواند از زبان قبیله اش سخن بگوید، در حالی که زن و مونث است؟ و شعر، مسائل عشقی و جنگ و رزم را مخصوص مردان می‌دانستند...

«می‌گویند:..... من با شعرم دیوار فضیلت را در هم کوبیده‌ام ..... و این فقط مردان اند که شاعرانند..... آخر مگر ممکن است شاعره‌ای در قبیله به دنیا بیاید؟» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

### رنج از دانستن و همزمان زن بودن

اشعار سعادت برگردانی از درد و رنج اضافه‌ای است که زن دارد. سختی زنی که می‌داند و می‌فهمد و در عوض رنج می‌کشد از اینکه زن است. رنج زنی که به واسطه دانستن و آگاهی بار گران آگاهی خود را در جامعه‌ای ناآگاه بر دوش می‌کشد. زنی که می‌خواهد زن باشد-عاشق باشد اما در گیر و دار تعاریف نباشد، اسیر تعاریف کهنه و قدیمی که پس از قزن‌ها هنوز به زن به عنوان عروسک نگاه می‌شود و کرامت زن در نظر گرفته نمی‌شود.

سعادت بیشتر از آنکه به فکر انتقاد از این زیربنا باشد که نوع نگاه مردان و قضاوت مردان از آن سرچمه می‌گیرد، مستقیماً مردان جامعه خود را نقد می‌کند. مردان شرقی جهان که خود را روشنفکر در نظر می‌گیرند هنوز نتوانسته‌اند خود را با جهان تطبیق دهند و از افسانه‌های گذشته و مردسالارانه فاصله بگیرند. مردانی که به واسطه اینکه زیستن در دنیای پر زرق و برق صنعتی و سفرهایشان به کشورهای اروپایی و ثروت فراوانشان همچنان نوکر و بنده‌ی سنت‌های گذشته خود هستند و در این میان به مردانگی خود مانند طاووسی که به زیبایی پرهایش می‌نازد به خود می‌نازند و چنین فکر می‌کنند که شهریار زمانه خود هستند و به نوعی خودشیفتگی فریبنده گرفتار شده‌اند. (امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

در مورد جهان مدرن صحبت می‌کنند اما تفکرات و بن‌مایه ذهنی آنها کیلومترها با دنیای حال حاضر فاصله دارد و در زمانه‌ای که صحبت از جنگ ستارگان است او به ماده شترش چسبیده است و در پی تغییر نیست. و با وجود اینکه در زمانه‌ای زندگی می‌کند که صحبت از مارکسیسم و دموکرات است اما او هنوز در زمانه‌ای سیر می‌کند که به لیبرالیسم تعلق دارد و همچنین دچار بیماری‌های روانی شده است که فرق بین خوب و بد را نمی‌داند.

این شخص برای خریدن کتاب اقدام می‌کند اما متأسفانه فقط می‌خرد و آن را نمی‌خواند، به موزه می‌رود بدون اینکه چیزی از هنر متوجه باشد و در مورد هنر چیزی بداند و یا اینکه از پیوند خطوط چیزی متوجه بشود. در گرانقیمت‌ترین هتل‌های جهان اقامت می‌گیرد بدون اینکه احساسی در مورد اقامت در آنجا داشته باشد. شهوانیت تمام وجود او را فرا گرفته است، زنان خود را مانند کالا در نظر می‌گیرد و همانطور که کراوات و پیراهن خود را عوض می‌کند زنان خود را نیز اینچنین

تعویض می کند و نگاهش به عشق مانند کفشی است که از پای در می آورد و به عشق هم اینگونه نگاه می کند و زود آن را فراموش می کند. (امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

سعاد در اشعارش همچنین مردانی را مخاطب قرار داده است و به آنها سخت اعتراض می کند که چرا همچنین افکار و رتاری دارند:

«مشکل تو بزرگ است دوست من ..... با اینکه از نوآوری حرف میزنی ..... نوآور نیستی ..... از معاصر بودن حرف می زنی ..... اما معاصر نیستی ..... با اینکه بسیار سفر کرده ای ..... اما انگار اصلا از خیمه ات بیرون نیامده ای» (الصباح، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲)

«آیا یک روشنفکر؟ ..... می گوید که زن را باید زنده به گور کرد ..... این چه فرهنگی است؟ ..... این چه روشنفکری است؟ آیا یک روشنفکر ..... می خواهد که دلبندهش سالها در سرداب به سر ببرد؟ ..... آیا در نوشتنش روشنفکر ..... و در نگاهش به زن ارتجاعی است؟ ..... و اگر زنی به روی او خندید ..... از عذاب خداوند جهانیان می هراسد» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

سعاد از اینکه او را به واسطه زن بودن ننگ می دانند عذاب می کشد. سعاد از محدودیت هایی که در کشورش باعث می شود که او نتواند از حق و حقوق خود دفاع کند و باعث شود او آنگونه که باید فکر نکند و افکارش را گسترش ندهد شکایت کرده است و از تفکرات کهنه پدران خود و اینکه اجدادش او را مایه ننگ می دانسته اند و حتی در زمان حال هم چنین وضعیتی موجود است. سعاد به خاطر اینکه به زن این اجازه را نمی دهند که در فعالیت اجتماعی حاضر باشد شکایت کرده است و می گوید این درست نیست که زن را به بهانه حفظ امنیت خانواده از فعالیت های سازنده اجتماعی و ادبی دور کنند.

«این کشور من است... که زن را اخته می کند... و خورشید را به هنگام طلوعش به دار می آویزد... به عنوان امنیت خانواده ..... و زن را اگر سخن گوید به کشتن می دهد ..... یا اگر فکر کند ..... یا نوشت ..... او عشقت ..... یا عاشق شد ..... برای این که ننگ خانواده را بشوید»  
و بارها و بارها همین جملات را در قالب دیگر بیان می کند:

«این کشور من آسمان خود را بسته است ..... و زنانش را مومیایی کرده است ..... چهره در آن تقیصه است ..... صدا در آن تقیصه است ..... فکر در آن تقیصه است ..... شعر در آن تقیصه است ..... عشق در آن تقیصه است ..... و نیز ماه سبز و نامه های آبی رنگ» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱-۱۰۳).

سعادت به انتقاد از اعرابی می پردازد که ادعای فرهنگ و تمدن دارند و آنها را به سخره می گیرد و عقیده اش این است که این افراد فقط ظواهر خود را رنگ و لعاب بخشیده اند و تمدن آنها فقط ظاهرش تمدن است اما کمترین در عربیت و جاهلی بودن و عقب مانده بودن آنها به وقوع نپیوسته است، فکر آنها محدود شده و امکان تغییر در آن کم است و با وجود اینکه به سوار بر آخرین مدل از ماشین های موجود هستند اما بر لب های آنها هنوز شیر شتر نقش بسته است و در این میان سعادت با این چنین مردانی که هیچ شباهتی با دیدگاه های او ندارند به مبارزه برخاسته است.

«ای مرد جاهلی محافظه کار..... ای آنکه از فرانسه بازگشته ای..... بر یک اسب آهنین ..... و بر لبانش شیر شتر..... و طعم تلیت است..... آیا زندگی تو را اندکی صیقل نداد؟..... آجا قهوه خانه های شهر..... هیچ سخن تازه ای به تو یاد نداد؟» (فرامرزی، ۱۳۸۶ش، ص ۵۳)

#### برتری طلبی مرد در مقابل زن

به نظر سعادت مرد از جایگاهی که زن در آن قرار گرفته است شرم دارد و همچنین زن را رقیب خود به حساب می آورد. او قصدش این است که همه موفقیت ها هرچند کم باشند به او تعلق داشته باشند اما در طرف دیگر قضیه خود را درگیر رقابت با زن نمی کند و مسیر زن را در کارهایی که می داند موفق می شود سد می کند (منجم، ۱۳۸۱ش، ص ۴۲). سعادت در اشعارش موقعیت طلبی و فرصت طلبی زن را به تصویر می کشد و عنوان می دارد که مرد با مشاهده پیروزی هایی که زن به دست می آورد از درون متلاشی می شود و خود را کوچک می شمارد و در این مورد سعادت از ندای درونی مرد استفاده می کند و مرد را مخاطب قرار داده و در این مورد از وحشتی که در درون زن به خاطر موفقیت زن اتفاق می افتد سخن می گوید.

لازم به ذکر است که یادآوری کنیم که سعادت در پاره ای از ابیات نیروی ابتکار را به بوی عطر یاسمن شبیه کرده و در این مورد همراه با جبران خلیل جبران است و تفاوت بین آنها در این است که جبران خلیل قدرت و منبع نوآوری را ماد خود می داند ولی سعادت زن را منشا این نوآوری می داند:

«ای کسی که پیروزی های من برایت عقده ایجاد کرده است ..... و دوست نداری که در اطراف من ..... هزاران شیفته ببینی ..... ای آنکه از برتری من می هراسی ..... و از درخشیدنم ..... و از عطر یاسمین می هراسی..... آیا ممکن است ..... که انسان از عطر یاسمین بدش بیاید» (فرامرزی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳۶).

### رهایی طلبی از بند

سعاد سالهای زیادی صرف مبارزه همیشگی برای رسیدن به عدالت و آزادی ادامه می دهد و ظلم هایی که در این سالها به او شده است را در قید و بند سنت هایی می بیند که این حقوق خاص مردان نوشته شده است هر چند این قوانین مردان را هم در این میان بی نصیب نگذاشته است.

سعاد ندای آزادی سر می دهد و به زن این هشدار را می دهد که تلاش کند خود را از زیر این سلطه رها کند و بتواند به صورت آزادانه زندگی خود را ادامه دهد. اما منظور او از آزادی، آزادی ای که در غرب است نیست بلکه منظور از این نوع آزادی نوعی از آزادی است که انسان را از زیر بار قوانین قدیمی رها کند. او تسلط مرد بر زن و خودش را ظلمی ناتمام و تمام نشدنی در نظر می گیرد که نمی تواند آن را تحمل کند و در این میان راه رهایی زن را از این اسارت مرد، مبارزه، جبهه گیری و مقاومت زن دانسته است. مبارزه ای جانانه که زن یا در این راه کشته شود و یا اینکه بتواند خرافات را در هم بشکند. کشته شدن در راه عقیده تنها راهی است که زن با قبول کردن آن می تواند خود را از قسمت آخر کاروان به رهبری کاروان برسد.

«پوزش می خواهم... پوزش می خواهم... من از ناخن های خود چشم نخواهم پوشید .....  
همواره در پیشاپیش کاروان ..... راه خواهم رفت ..... مقتول یا قاتل باقی می مانم» (سعاد، الصباح، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱).

عقیده سعاد بر این است که مردان از پیشرفت زنان ناراحت می شوند و راه موفقیت زنان را سد می کنند تا نتوانند به جایگاه های بالا برسند، و زن را از رسیدن به شکوفایی باز می دارند و به زن مجوز نمی دهند که بتواند با نوشتن از حقوق خود دفاع کند و دیگر زنان را آگاه سازد. از این رو زن به حالت التماس گونه از مرد می خواهد تا کاری نکند که جلوی پیشرفت او گرفته شود و بین او و دانایی مانع قرار ندهند تا بتواند به روشنگری بپردازد:

«دست به دامن تو می شوم ..... که بین من و نامه ام..... بین روشنایی چشمانم ..... و چشمانم.....  
بین سرمه ام..... و مژگانم..... بین دهانم... و صدایم، نایستی ..... این ظلمی است که تحملش نتوانم  
کرد..... دست به دامن تو می شوم ... که بین آئینه ام و چهره ام .... بین قد و قامتم... و سایه ام  
..... بین انگشتانم... و کاغذم، نایستی..... این استعماری است که هرگز تحمل نخواهم کرد ..... دست به  
دامن تو می شوم ..... که مرا در آسیاب..... بین تعهدات عاطفی ام نسبت به خودت ..... و تعهدات

تاریخی ام با قبیله ام..... بین فرمان های دهگانه پدرم ..... و فرمان های دهگانه خودت ..... بین بوسه های عسل آلود مادرم ..... و بوسه های آلوده به دیوانگی آرد نکنی « (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

### خطاب سعاد به مردان زن ستیز

« ای هولاکوی این عصر..... تفاوتی بین خون من ..... و بین نقطه های جوهر نیست ..... ای هولاکو..... تو سکوت خشکی را دوست داری ..... من از ماهیان دریا ..... تو تمرین قتل و کشتار می کنی ..... ای هولاکوی دوم..... ای هولاکوی نودونه... من زن هستم ..... از احساسات نزد من سخنگو مگو..... لبهایت مثل خار است ..... تختخواب تو همچون قبر است..... ای هولاکو ..... از حرف های من دلتنگ نشو ..... من در حالت جوشش هستم ..... و تو مردی زیر نقطه صفر هستی» (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۵۴)

مرد عرب در اشعار سعاد هولاکویی است که نه تنها شاعر بلکه هیچ زن دیگری هم او را قبول ندارد، سعاد دشمنی هایی را که این هولاکو به زن رواداشته است بیان کرده است و این احساس به او دست داده است که دچار درد و حسرت توأم باهم شده است، شاعر از مرد مورد نظر خود می پرسد که آیا در زمان کودکی شیر خود را از زبان مادر خود نوشیده است؟

آیا این مرد مهربانی های مادرش را فراموش کرده است؟ مادر بسیاری از فداکاری ها را انجام داد تا فرد از ناملایمات جامعه گذر کرده و مردی شود و این مرد به جای تشکر از همه فداکاری هایی که مادر انجام داده است در یکی از قهوه خانه هایی که اصلاحا روشنفکران در آن جمع می شوند سخنرانی مطبوعاتی برگزار کرده و به حالت مغرورانه ای پاهای خود را روی هم انداخته و با صدای بلند عنوان می کند که زن در دین و عقل ناقص است و گارسونها و کسانی که چاپلوسانه دور او جمع شده اند او را مورد تشویق قرار داده و برایش دست بزنند. کسی که به این روش با سرکشی و ناجوانمردانه بر علیه زن سخن می گوید در اصل به همه مادرانی که آنها را به دنیا آورده اند بی احترامی می کنند و همچنین آنان به موجودی که شریعت های آسمانی هم او را مورد تکریم قرار داده اند بد می کند و سعاد شعر و تفکراتش را برای پرده برداشتن از این مشکل اجتماعی جمع کرده است و با همت و پشتکار فراوان با مرد مبارزه می کند.

### نتیجه‌گیری

سعادالصبح در اشعار خود جامعه و مخصوصاً زنان را به آزادی خواهی و آزاد اندیشی دعوت میکند و معتقد است که در جامعه باید آرا و نظرات خود را به راحتی مطرح کند و در اداره و تصمیم‌گیری کشور سهمی باشد.

سعادالصبح خواستار احیای حقوق زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع است و با بیان نقش حساس و کلیدی آنها در جامعه و نیز در خانواده به عنوان مادر و همسر که رکن اساسی آن را تشکیل داده و عهده دار تربیت فرزندان هستند مردم را دعوت به حفظ کرامت و حرمت و ارزش حقیقی زن و درک جایگاه واقعی او در جامعه نموده و از آنها می‌خواهد خود را از قید و بندهای جهل و خرافات، تعصبات کورکورانه، افکار خشک و پوسیده، باورها و هنجارهای غلط و نادرست برهانند و بزین مجال رشد و حرکت داده و او را از تحصیل علم و حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی بهره‌مند سازد. شعرهای او فرزندان فضایی هستند که وی در آن نفس می‌کشد. فرزندانانی که بر مام میهن... نه بر سنت پدر سالار قبیله ای شوریده اند. شعر او بدون رودربایستی و پرده پوشی توصیف جهان پیرامونش است. شعرهای او که عموماً میان بیانیه و شعر در رفت و آمدند، بیش از آن که از نظر ترکیب های ادبی یا نگاه خیال پرور و شاعرانه درخور توجه باشند، از منظر نقد روابط قدرتمندانه جوامع سنتی قابل توجه هستند. جوامعی که در آن روابط مبتنی بر قدرت، فردیت، عشق و شعر را نفی می‌کند.

شعرهای او بازتاب درد و رنج مضاعف اند. رنج انسانی که می‌داند و رنج زن بودن، رنج زنی که بار گران دانستن را در جامعه ناآگاه بر دوش خویش می‌کشد، زنی که می‌خواهد زن باشد، عاشق باشد، اما مقهور تعاریف نباشد، مقهور تعاریف کهن که هنوز پس از گذشت قرن ها حرمت نهادن به زن را با عروسک انگاشتن وی یکی می‌داند. او بیش از آنکه در پی نقد بستری باشد که نگاه مردانه و قضاوت مردانه از آن نشأت می‌گیرند، مستقیم به نقد مردان جامعه اش می‌نشیند. مردان روشنفکر شرقی که تغییر جهان هنوز آنان را از افسانه هزار و یک شب جدا نکرده است.

سعادالصبح همیشه نقد خویشتن را که نخستین ابزار رشد است، فراموش می‌کند و از این رو انرژی بسیاری را در جبهه ای اشتباه و بر سر هیچ هدر می‌دهد؛ اما با این وجود شعرهای او هرچند پلاکاردوار و شعار گونه تلنگرهای قوی ای هستند، قرن ها جلوتر از فضای اجتماعی که در آنها سروده می‌شوند، و رای شعر او با همه کاستی اش، و رای صحیح و غلطی که نیک نمی‌شناسد و و رای تمام درگیری‌های او با خویشتن خویشش شجاعتی ژرف نهفته است. شجاعتی که شعر او را به رغم همه چیز خواندنی و جذاب نگه می‌دارد.



**کتابنامه :**

- (۱) ارناووط، عبداللطیف، سعادت‌الصباح: رحله فی اعمالها غیر الکامله، چاپ اول، شرکه النور، بیروت.
- (۲) اسماعیل مروه، اسماعیل (۲۰۰۰م)، سعادت‌الصباح شاعره الشتائیه فی الحب و الغضب، چاپ اول، الشرکه النور، بیروت.
- (۳) امیری، وحید، (۱۳۸۲ش)، بانوی ماسه و ماه، چاپ اول، نشر دارینوش، تهران.
- (۴) الامین، فضل (۱۹۹۴م)، سعادت‌الصباح شاعره الانتماء الحمیم، بیروت، شرکه النور للصحافه، و الطباعه و النشر.
- (۵) حبیبی، علی اصغر؛ صحرانورد، ملیحه (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی برخی از درونمایه‌های مشترک زنانه در آثار بانوان شاعر معاصر فارسی و عربی مطالعه مورد پژوهانه: فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، غاده سمان و سعادت‌الصباح». انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی. ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی ۶۵.
- (۶) جریده دسمن نیوز الالکترونیه (۲۰ نوامبر ۲۰۱۵م). <http://WWW.Dasmannews.com>
- (۷) حبیبی، علی اصغر؛ شکیبایی، لایلا؛ شمشیری، وحید. (۱۳۹۴). «واکاوی تطبیقی مضامین شعری سعادت‌الصباح و پروین اعتصامی (براساس مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی)». فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادبی عربی). سال ششم. دوره جدید. شماره بیستم. صص ۹۳-۶۷.
- (۸) الراغب، نبیل (۱۹۹۳)، عزف علی اوتار مشدوده دراسه فی شعر سعادت‌الصباح، الهیه المصریه العامه للکتاب.
- (۹) شبکه الجزیره الاعلامیه (۲۰۱۶م)، روان الضامن و الالکتوره سعادت‌الصباح <http://WWW.Aljazeera Media Network>
- (۱۰) الصباح، سعادت (۱۹۹۰م)، دیوان الیک یا ولدی، ط ۴، مصر، الهیه المصریه للکتاب.
- (۱۱) ..... (۲۰۰۰م)، فی البدء کانت الاثنی، چاپ چهارم، دار سعادت‌الصباح للنشر و التوزیع، الکویت.
- (۱۲) ..... (۲۰۰۶م)، الورد تعرف الغزل «مقدم»، چاپ دوم، دار سعادت‌الصباح للنشر و التوزیع، الکویت.
- (۱۳) ..... (۲۰۰۶م)، أمنیه (مقدمه)، چاپ دوم، دار سعادت‌الصباح للنشر و التوزیع، الکویت.
- (۱۴) ..... (بی تا). الورد تعرف الغضب. ترجمه: سمیر ارشدی و نفیسه بابایی. بی تا.

- ۱۵) عباسی، مسلم. (۱۳۹۶). «بررسی جلوه‌های عشق در شعر سعادت‌الصباح». پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد. استاد راهنما: علی سلیمی. دانشگاه رازی.
- ۱۶) الغدافی، عبدالله، (۲۰۰۶م)، *المراه و اللغه*، ط ثالثه، المركز الاتقافی العربی، بیروت.
- ۱۷) فرامرزی، حسن، ۱۳۷۸، *رازهای یک زن (سعادت‌الصباح)*، چاپ اول، انتشارات دستان، تهران.
- ۱۸) ..... ۱۳۷۸، *مرا تا مرز خورشید ببر (سعادت‌الصباح)*، چاپ اول، انتشارات دستان، تهران.
- ۱۹) ..... ۱۳۸۶، *زن بی کرانه (سعادت‌الصباح)*، چاپ اول، انتشارات دستان، تهران.
- ۲۰) فوزی، مفید (۲۰۰۰م)، *مفاتیح قلب شاعره، لقاء مع سعادت‌الصباح*، القاهره، الهیه المصریه العامه لکتاب.
- ۲۱) فولاد، حلیمه. (۱۳۹۳). « مضامین اجتماعی در اشعار سعادت‌الصباح ». پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد. راهنما: رضا رضایی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲۲) کراچی، روح انگیز (۱۳۷۶)، *فروغ، یاغی معصوم*، تهران: راهیان اندیشه.
- ۲۳) منجم، رویا، ۱۳۸۱، *زن-مادر*، چاپ دوم، نشر مس - تهران.
- ۲۴) نصراللهی، خدیجه؛ ریحانی، عظیمه؛ حسن پور، لیلا. (۱۳۹۶). «بررسی جسارت زنانه در ادبیات اجتماعی معاصر عرب؛ مطالعه مورد پژوهانه غاده السمان و سعادت‌الصباح». دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.